

آشنائی با کتابهای کهن

ایرج افشار

شرف نامه = انشای مر و ارید

Staatsschreiben Der Timuridenzeit

فن ترسل که امروزه نامه نگاری بجای آن اصطلاح شده از دیر باز مورد توجه و ازفتون بسیار شریف بوده است. کسانی هم که در این کار کاردان بودند از طبقه ممتاز شمار میرفتند و در اصطلاح بنام دبیر و منشی و نویسند و کاتب یاد میشدند. این گروه همیشه از برجستگان دستگاههای دولتی بودند و کسانی باین منصب گمارده میشدند که از «خط و ربط» بهره کامل و کافی داشتند. (۱) نوشتن مکتوب هم بشیوه ای ویژه بود که «شکسته» نوعی از آن است. شاعری میگوید: ای زلف تو بیچیده ترا از خط ترسل.

در فن ترسل نمونه های بسیار از دوره های مختلف شرفارسی برای ما بازمانده است که آنهارا به منشآت یاد میکنند. برخی از آنها هم بچاپ رسیده است. (۲)

در همین چندماه پیش هم کتابی در این زمینه بنام «شرف نامه» (۳) بچاپ رسیده که در این مقاله از آن سخن خواهد رفت. باید دانست که از مراسلات مندرج در این کتاب بجز جنبه ترسل آنها سودهای دیگری بدست میآید که توجه بآنها مفید است، بشرحی که پس از

۱- درباره «دبیری» و چگونگی آن نظامی هروضی فصل نخست از کتاب چهارمقاله (= مجمع النوادر) خود را بآن تخصیص داده است. نگاه کنید به چهارمقاله. در این خصوص مراجع دیگری هم بدست هست که از آنها در گفتاری جداگانه باید سخن داشت.

۲- مانند التوسل الی الترسل که مجموعه منشآت بهاءالدین محمد بن مویذ بغدادی است، چاپ طهران ۱۳۱۵ خورشیدی. عتبة الکتبه که مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر است، چاپ طهران ۱۳۲۹ خورشیدی. منشآت فارسی رشیدالدین و طواط مربوط بدوره خوارزمشاهیان، مجموعه ریاض الانشاء، رقعات جامی که درس ۵۹۰ شماره ۱۰ مهر از آن نامزفت، چندمکتوب که در پایان جلد اول منتخبات فارسی (Chrestomathie Persan, vol. I, Paris, 1890) گردآوری شارل شفر (Charles Schefer) بچاپ رسیده است.

همچنین منشآت چند تن از دبیران زبردست دوره ناصری که سالیان دراز سر مشق نامه نگاری در مدارس و مکاتب قدیم بود، مانند: منشآت قائم مقام، منشآت امیر نظام کرویسی، منشآت فرهاد میرزا معتمدالدوله، منشآت معتمدالدوله نشاط، منشآت میرزا محمود خان ملک الشعراء، صبا و جز اینها.

۳- این کتاب با ترجمه آلمانی بوسیله مستشرق دانشمند آلمانی آقای هانس روبرت رومر (Hans Robert Roemer) در ویسبادن (Wiesbaden) از شهرهای آلمان چاپ شده است. متن فارسی عکسی است، یعنی نسخه خطی عیناً عکس برداری و طبع گردیده است، که در اصطلاح اروپایی آنرا «فاکسیمیل» Faksimilé گویند.

ناشر و مترجم فاضل شرفنامه تعلیقات مفیدی هم بانضمام دیباچه و فهرس و صورت مراجع بر کتاب افزوده است. این کتاب از انتشارات فرهنگستان شهرمینو (Der Wissenschaften und Der Literatur) و سومین نشریه قسمت شرقشناسی آن میباشد که در ۷۵ صفحه فاکسیمیل VII+224 صفحه بقطع وزیری انتشار یافته است.

این و به تفصیل خواهد آمد. بیان و چند قرن اول استیلاي عرب نوشته شده
شرف نامه مجموعه ایست از ۱۲۶ مکتوب اثر قلم خواجه عبدالله مروارید (در گذشته
سال ۹۲۲). (۱) این نامه هادو گونه است. بخشی نامه های دیوانی است، یعنی نامه هایست دولتی
که باشخاص مختلف نوشته شده است. بخش دیگر نامه هایست شخصی که خواجه عبدالله
خطاب بدوستان و همکاران خود تحریر کرده است. بجز این نامه ها چند قطعه نثری هم در میان
این مجموعه هست: مانند تعریف خزان، تعریف گرما، تعریف دریا و جز اینها.

بیگمان مهمترین بخش این مجموعه که در روشن شدن نکاتی از تاریخ و سرگذشت
رجال آن زمان متضمن فواید بسیار است قسمت نامه های دولتی است. این نامه ها متضمن
پاره ای از مسائل مربوط به حقوق اداری آنروزه نیز هست که در نوشتن و فراهم آوردن
تاریخ حقوق اداری فواید بسیاری را عاید میسازد. نسخه ای که در کتابخانه
از سال ۹۵۸ هجری است. یعنی نسخه ایست که بیست و شش سال پس از مرگ خواجه فیراهیم
آمده است. (۲)

آقای رومر، مترجم شرفنامه، در مقدمه ای که بر ترجمه افزوده نخست از فن
انشاء و آثار بازمانده در این زمینه و سپس از کتاب شرفنامه خواجه عبدالله به تفصیل سخن میدارد.

۱- خواجه شهاب الدین عبدالله کرمانی معروف بمروارید فرزند خواجه شمس الدین
محمد کرمانیست. پدرش چون برای ضبط و ریاست قطیف ببحرین رفته و در بازگشت مروارید
بمراه آورده بود. به عبدالله مروارید نامبرد او شد. پدرش نیز پس از وی همین شهرت را یافت. سرگذشت
شمس الدین محمد در دستورالوزرا آمده است (ص ۳۹۴، چاپ طهران، ۱۳۱۷ شمسی).
خواجه عبدالله سالیان دراز منشی سلطان حسین میرزا با یقرا بود. بعدها به «منصب صدارت

و پروانه که در زمان سلطان حسین تیموری از جلال مناصب سرکار سلطنت بود سر فراز گردید. <
(رجال حبیب السیر ص ۱۵۷، چاپ طهران، ۱۳۲۴ ش) وی پس از امیر علیشیر نوائی مقام او را
یافت و منصب امارت عظام بدو تعلق گرفت. در او آخر زندگی گوشه گیری گزید و بکتابت قسر آن
پرداخت. تا اینکه سال ۹۲۲ هجری درگذشت. دو فرزندش هیدالمومن و خواجه محمد مومن هم در امور
دیوانی بودند. خواجه عبدالله شعر میسرود و بیانی تلخیص میکرد و تاریخ زندگانی سلطان حسین با یقرا
را بشر آورده و آنرا «تاریخ شاهی» نام گذارد. دیوانش بنام «مونس الاحباب» در برخی از کتابها
یاد شده است. (نگاه کنید به کشف الظنون ستون ۱۹۱۱، چاپ اسلامبول ۱۹۴۲ میلادی). برای
سرگذشت وی کتابهای زیر را باید دید: حبیب السیر جلد ۳ ص ۳۳۰، تذکره دولتشاه سمرقندی، تحفة سامی
ص ۶۳ چاپ طهران ۱۳۱۴ شمسی، کاتالک نسخ خطی بریتیش موزیم ص ۱۰۹۴ جلد سوم و جز اینها.

۲- این نسخه متعلق بدانشگاه اسلامبول است. آقای رومر برای ترجمه آلمانی از چنده
نسخه دیگر نیز استفاده کرده است که متعلق به انجمن آسیایی بنگال، دانشگاه اسلامبول،
کتابخانه وین، کتابخانه بودلیان، کتابخانه لنین گراد، بکنفر ترک اسلامبولی،
و ایوانف درباره نسخه متعلق به انجمن آسیایی بنگال توضیحات کافی داده است،
نگاه کنید به:

Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the
Asiatic Society of Bengal, Curzon Collection, By W. Ivanow,
Calcutta, 1926, p. 116.

در شرف نامه رعایت ترتیب خاصی در آوردن نامه ها نشده، امامترجم ترجمه نامه ها را بر حسب موضوع مرتب ساخته است. چنانکه نخست مکاتیبی را که مربوط به «صدارت» است آورده و پس از آن بترتیب نامه های مربوط به قاضی ها، نقیب القبا، مجتسبین، مدرسین، شیخ الاسلام و جز اینها. قسمت دیگری که مترجم افزوده تعلیقات و یادداشت های مفیدی است در توضیح هر يك



تصویر خواجه عبدالله مروارید
(برپیش موزیم)

از مشکلات و اصطلاحات و عناوین و مقامات و مناصب مندرج در این نامه ها. چنانکه هر يك از مناصب صدارت، شیخ الاسلامی، قضا، تدریس را مشروحاً یاد آور شده است. کتاب شرف نامه در زمان فراهم آوردن آن و تا سالیان بعد نمونه نامه نویسی بود، اما اکنون از این جهت هیچگونه سودی برای ما ندارد و فوایدی که از آن ما را حاصل میشود تنها نکات تاریخی است که در نامه های مزبور مندرج است و ما آن ها را بر خواهیم شمرد. پیش از اینکار بجاست که سبب گرد آوردن این نامه ها را بشرحی که خواجه عبدالله خود در مقدمه شرف نامه آورده است عیناً در اینجا بیاورم: «مسود این ارقام فقیر مستهام

عبدالله بن محمد المرورارید حرس الله صفحات اعماله عن التسويد که بعضی از اصحاب فهم و ذکا نظر التفات بحال این بیمة دار داشته مرقومات کلک عجز و نامرادی این خاکسار را طلب مینمودند و از آنجا که کمال عطوفت است خاطر شکسته را

تشجین میفرمود. بنا بر آن بندی از مسودات بیحاصل و شطری از مرقومات بلاطایل که املاء آن اتفاق افتاده بود بواسطه عدم توفیق جمع و تلفیق در عرضه ضیاع مانده بود جمع ساخته در قلم آمد...» (۱)

موضوع نامه ها و سود آنها

۱ - نشان صدارت میرک قاسم: این مکتوب صورت فرمان صدارت مولانا جلال الدین

۱ - صفحه ۲ از چاپ عکسی، پشت برک ۲ و روی برک ۳ از نسخه خطی - چون در هر صفحه چاپی سه عکس از نسخه خطی چاپ شده است ناچار هر جا به کتاب رجوع داده شود شماره برک نسخه خطی هم داده خواهد شد.

میرک قاسم (۸۴۲ - ۹۰۱) است. از این نامه چگونگی صدارت و مضافات این منصب و وظایفی که در عهده صدور قرار میگرفته روشن میشود. میرک قاسم در زمان خود بسیار محترم بود چنانکه از پس جنازه اش سی سوار مسلح در حرکت بودند. درباره میرک قاسم رجوع شود به رجال حبیب السیر ص ۱۵۳.

۳ - نشان شیخ الاسلام جناب خواجه ناصرالدین ابو نصر مهنه: مکتوبی است تحبیب آمیز درباره مراقبت از اولاد شیخ ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷ - ۴۴۰) که بخشی از آن اینست: «رعایت و مراقبت اولاد امجاد نامدار و احفاد بزرگوار آن حضرت را بر ذمت همت بلند لازم دانسته ایم...» پایان نامه فرمان شیخ الاسلامی خواجه ناصرالدین ابونصر است برای بقعه شیخ ابوسعید که پیش از او در عهده پدرش خواجه مؤید مهنه ای بود. درباره سرگذشت خواجه ناصرالدین بر رجال حبیب السیر رجوع شود، ص ۲۰۲.

۳ - نشان صدارت سید ابوالطیب بقلانی: صورت فرمان صدارت سید نظام ابوالطیب است در دستگاه ابوالفتح حیدر محمد میرزا.

۴ - نشان موقوفی امیر غیاث الدین: صورت فرمانی است خطاب به سید جلال الدین محمود و سید سلطان محمود درباره مواظبت و حراست از موقوفات امیر غیاث الدین که در هرات بوده است و این دو از اخلاف وی بوده اند.

۵ - نشانی موقوفات امیر بابا محمود: صورت مکتوبی است درباره اینکه کمال الدین محمود که از خواص میباشد همه املاک و اسباب و اراضی خود را بروضه مطهر رضویه وقف کرده است.

۶ - نشان خواجه نظام الملك: صورت فرمان وزارت اعلی و منصب اشراف خواجه قوام الدین نظام الملك است. (۱)

۷ - نشان دستور راه حج جبهه امیر احمد توکل برلاس: در این مکتوب به نظام الدین احمد توکل برلاس که از خواص دستگاه بوده اجازه رفتن بهمکه داده شده است.

۸ - نشان راه کعبه جبهه امیر کیحسروی مقیم.

۹ - نشان راه حج جبهه مولانا علاء الدین کرمانی: سفارشنامه ایست به داروغگان و حکام و ولایه درباره عزیمت مولانا علاء الدین کرمانی به سفر حج.

۱۰ - نشان جهت نقابت سید عبدالله: بشرح مذکور در این فرمان، نقابت دارالسلطنه هرات با ضمایم و ملحقات آن در عهده سید نظام الدین عبدالقادر (۲) واگذار شده است.

بازمانده در شماره آئنده

۱ - خواجه قوام الدین نظام الملك از مردم خواف بود. خواجه عبدالله مروارید که از آغاز جوانی بمنصب صدارت رسیده بود پس از اینکه قوام الدین بوذارت اعلی رسید چون از او سوء نظری در باره خود گمان برده بود از کار کناره کرد. نگاه کنید به حبیب السیر جلد سوم ص ۳۳۰.

۲ - نظام الدین عبدالقادر (در گذشته بسال ۹۲۵) در عهد خود از بزرگان علما و در علم انساب صاحب نظر بود. در فرمان او آمده است که باید: «تحقیق انساب و انتساب طبقه سادات گرام و قبایل ایشان نمایند و صحیح النسب را از مجهول و زیندر از جید و سیدر از متسید فرق نموده...»

این نکته خود گواهی است از نادرتی بسیاری که خود را سید مینامیده اند... همچنانکه در فرمان نوشته شده وی سمت نقابت هرات را داشت. بجز این سالیان دراز هم سمت قضاء خراسان با او بود.